

## یاریگری در میان کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان

### تیره قلی وند ایل خزل ایلام

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۵)

علی نوراللهی<sup>۱</sup>

#### چکیده

تیره قلی وند از ایل خزل در دشت میانکوهی آسمان آباد چرداول ایلام هستند. در گذشته طوایف این ایل زندگی کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی داشتند و اساس معیشت آنها بر کوچ و دامپروری استوار بود. این نوع معیشت با چالش‌های متعددی همراه بود و به همین دلیل بسیاری از امور با همکاری‌های متقابل انجام می‌گرفت. این همکاری‌ها طیف وسیعی از مسائل از دفاع و امنیت تا تأمین خوراک و بافت سیاه‌چادر را شامل می‌شود. بنابراین از گذشته انواع یاریگری مرتبط با این نوع معیشت در میان آنها رواج داشت. با یکجانشین شدن اجباری عشایر، جلوه‌های دیگری از یاریگری در کشاورزی و خانه‌سازی در میان آنها برجسته شد. در این مقاله، نگارنده از دو شیوه مشارکتی و مصاحبه‌ای برای انجام دادن پژوهش بهره برده است و انواع یاریگری‌هایی که امروزه در میان افراد ذیل رواج دارد را ثبت و ضبط کرده است. بررسی انواع یاریگری در میان این ایل نشان می‌دهد که انواع یاریگری هنوز در میان آنها رواج دارد و به دلیل همبستگی قومی و خویشاوندی ایلی بسیاری از کارها به صورت جمعی انجام می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: یاریگری، یاریگری در یکجانشینی، عشایر استان ایلام، یاریگری در ایل خزل، تیره قلی وند.

---

۱. دکترای باستان‌شناسی. رایانامه: alinorallahy@yahoo.com

## مقدمه

دشت میانکوهی آسمان‌آباد در شمال استان ایلام واقع است. این دشت، محل زندگی تیره قلی‌وند از تیره‌های ایل خزل است که در طول تاریخ تحولات متعددی را پشت سر گذاشته، این تیره مانند سایر تیره‌های ایل خزل و دیگر ایل‌های منطقه در گذشته دارای شیوه معیشتی کوچ‌نشینی و نیمه‌کوچ‌نشینی بود. با سیاست‌های پهلوی اول، این تیره و طایفه‌های آن تخت قاپو (یکجانشین‌سازی) و به اجبار یکجانشین شدند. این یکجانشین‌سازی اجباری صدمات شدیدی بر اقتصاد و جمعیت این منطقه وارد کرد. با کم‌رنگ شدن و همچنین ناکارآمدی سیاست یکجانشین‌سازی بخش‌هایی از جمعیت این تیره، به شیوه معیشت سابق خود یعنی کوچ‌نشینی و نیمه‌کوچ‌نشینی برگشتند. هر چند هیچ‌گاه شیوه معیشتی آنها نتوانست به حالت سابق برگردد. در این دوره، در روستاها دو شیوه معیشتی دامداری (کوچ درون منطقه‌ای) و کشاورزی (دیم) در کنار هم وجود داشت. اقتصاد این منطقه به دلیل کوهستانی بودن مبتنی بر دامپروری بود اما پس از تحولات رخ داده، در کنار دامداری کشاورزی دیم نیز به وجود آمد، هر چند کشاورزی نتوانست جای معیشت مبتنی بر دامداری را بگیرد. بنابراین روستاهای این منطقه دارای شیوه معیشتی دو گانه‌ای مبتنی بر کشاورزی و دامداری بودند. این موضوعی است که سبب شکل‌گیری و تنوع رفتارهای فرهنگی در این منطقه شده است؛ به طوری که بسیاری از یاریگری‌ها در میان مردمان و طوایف این منطقه ریشه در کوچ‌نشینی دارد. گروه‌های عشایر (هوزها و خیل‌ها)<sup>۱</sup> که نسبت فAMILI داشتند و پیش از تخته‌قاپو شدن در کمپ‌های عشایری در کنار هم به سر می‌بردند و عامل زمین و کشاورزی در زندگی آنها جایگاه ویژه‌ای نداشت؛ در محیط روستا در کنار هم دست به خانه‌سازی زدند. از این زمان، زمین و میزان دستیابی به آن، به عاملی تعیین‌کننده در جایگاه افراد بدل شد و با ازدیاد جمعیت در حالی که امکانات اقتصادی آنها از جمله زمین ثابت بود، کشمکش‌های درونی شکل گرفت. با از میان رفتن ساختارهای سنتی ایلی و طایفه‌ای، ساختار مناسبی جایگزین آن نشد. روستاییان علی‌رغم اینکه یکجانشین

۱. huz &amp; xil: سلسله مراتب ایلی هستند.

## یاریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۹۱

و نیمه یکجانشین شدند؛ ولی همچنان مناسبات کوچ‌نشینی و ایلیاتی در میان آنها جریان داشت. به همین دلیل شاهد یاریگری‌ها در جمع فامیل نزدیک (برادرها و عموزادگان و دایی‌ها) و دوستان بسیار نزدیک هستیم.

یاریگری در میان عشایر شامل انواع متنوعی از همیاری، دگریاری و خودیاری است. این رفتار اجتماعی پیشینه‌ای به درازای عمر بشر دارد. در این شیوه زیست، انسان‌های اولیه دریافتند که شانس آنها برای دستیابی و موفقیت در شکار در شکل یاریگری (گروهی) بسیار بیشتر از سایر اشکال است. این موضوع در کشاورزی (در مراحل مختلف آن)، دامداری، دامپروری و باغداری نیز صادق است. علاوه بر این اهداف دیگری در یاریگری مورد نظر بوده است که کمتر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده و آن دسترسی همه اعضای جامعه به منابع غذایی و داشتن امنیت غذایی است. چنانچه مشارکت در این یاریگری‌ها به اعضای فقیرتر جامعه امکان می‌داد که مواد غذایی کافی در اختیار داشته باشند و از این طریق بخشی از مواد غذایی خود را تأمین کنند. بنابراین هدف اصلی از برخی یاریگری‌ها ایجاد امنیت غذایی برای همه اعضا بوده است؛ چنانچه در رسم «شیرواره» این هدف، عامل شکل‌گیری اصلی آن در میان مردمان مورد پژوهش بوده است یا در یاریگری «گلیاری»<sup>۱</sup> (گله‌یاری) از طرف اعضای جامعه اصلی به خانواده‌هایی که وام نداشتند وام داده می‌شد تا بتوانند بدان وسیله در کنار سایر اعضا معیشت داشته باشند. در واقع اعضای جامعه با همیاری با یکدیگر سعی می‌کردند به صورت همکاری متقابل در کنار هم زندگی نمایند. البته گفتنی است که در یاریگری‌ها هیچگونه اجباری وجود نداشته و تنها قواعد اجتماعی و فرهنگی بر آن حاکم بوده است.

بنابراین یاریگری را نه تنها از نظر اجتماعی و اقتصادی، بلکه از نظر امنیت غذایی و دستیابی به حداقل معیشت نیز می‌توان بررسی کرد. انواع دیگر یاریگری عبارت‌اند از: همیاری در دامداری و دامپروری؛ کوچ، دو جا کاری (کاشت و داشت و برداشت در گرمسیر و سردسیر)، بافت و برپاسازی سیاه‌چادر، نگهداری و بردن گوسفندان به چرا،

1. galyâri

گله برینه، تهیه غذاهای زمستانی (ترخینه، دوغینه و ...)، تهیه کشک، آماده‌سازی مشک (مشکه، کونه و هیزه)، شستن گندم، غلات و حبوبات، همیاری در نخ‌ریسی و بافت سیاه‌چادر (زنانه)، گلیم‌بافی، چیت‌بافی و تهیه دیگر لوازم عشایری، شیر ویره و ئارد ویره (زنانه) و یاریگری در سور و سوگ و حوادث غیر مترقبه (آتش‌سوزی، سیل، جنگ، دفاع و ...).

از نظر جنسیتی هم می‌توان یاریگری‌ها را به مردانه و زنانه و زنانه - مردانه تقسیم کرد. در همه این یاریگری‌ها سایر اعضای خانوارها هم به نحوی مشارکت دارند؛ از جمله تهیه ملزومات و پذیرایی و غیره.

انواع همیاری مردانه عبارت‌اند از: بذرپاشی، شخم‌زنی، درو، حمل گندم درو شده به خرمنگاه، خرمن‌کوبی، شن<sup>۱</sup> کردن (جدا کردن دانه از کاه)، خانه‌سازی، نوبه پس، جوب‌روبی، دشته‌بانی، چاله‌بانی.

انواع همیاری زنانه نیز عبارت است از: شستن غلات برای آرد کردن، تهیه مشک<sup>۲</sup> (کونه<sup>۳</sup>، کولینک<sup>۴</sup>، هیزه<sup>۵</sup> و دورگ<sup>۶</sup>)، نخ‌ریسی، پشم‌شویی، بافت سیاه‌چادر، چیت‌بافی، شیرواره، تهیه روغن حیوانی و آماده کردن غذاهای زمستانی.

یاریگری زنانه - مردانه نیز در اعیاد، سور و سوگ، پشم‌چینی، وجین و چیدن حبوبات بیشتر انجام می‌گیرد.

تقسیم‌بندی دیگری نیز می‌توان برای یاریگری‌هایی که در بین مردمان ساکن در آسمان‌آباد (تیره قلی‌وند ایل خزل) وجود دارد ارائه کرد و آن را به همیاری‌های مادی (که در بالا به بیشتر آنها اشاره شد) و معنوی (تصمیم‌گیری جمعی و مشورت درباره مراسم محرم و ساخت و تعمیر مساجد، سفره علی، مراسم تدفین، پرسیانه، سورانه و ...) و آیین‌ها (تاسو، چمری، خون صلح و ...) و زمان کوچ و مکان‌یابی کمپ‌های سیاه‌چادر

1. šan
2. mašk
3. kuneh
4. kulinek
5. hizeh
6. dureg

## یاریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۹۳

و دفاع و...) تقسیم کرد. به طور کلی با توجه به شیوه معیشت و پیوندهای نسبی و سببی که در میان خانوارهای یک طایفه و نیز پیوندهای مختلف دیگری که با طوایف دیگر تیره قلی‌وند وجود دارد، یاریگری در ابعاد جزئی تا کلان در منطقه آسمان‌آباد دیده می‌شود. در این مقاله، یاریگری کوچ‌نشینی بررسی و انواع آن ارائه شده است. شیوه پژوهش در این مقاله به صورت مشارکتی است یعنی نگارنده در تمام مراحل در محل حضور داشته و با کسانی گفت‌وگو و مصاحبه کرده که در این زمینه اطلاعات موثقی داشته‌اند.

### پیشینه پژوهش

یاریگری یکی از موضوعات مورد علاقه در انسان‌شناسی، تاریخ، باستان‌شناسی و سایر علوم انسانی مرتبط است که بر شناخت روستا و ساختارهای آن (فاستر، ۱۳۷۵)، توسعه و توانمندسازی روستاییان و کوچ‌نشینان تأکید دارند، به خصوص آن دسته از پژوهشگران که به زمینه‌های بومی و بومی‌سازی توسعه نظر دارند. از جمله پرکارترین پژوهشگران در این عرصه، مرتضی فرهادی است که بر زمینه‌های توسعه بومی به جای الگوهای وارداتی تأکید دارد و در این حیطه تألیفات و نوشته‌های زیادی نیز منتشر کرده است (فرهادی ۱۳۷۳؛ ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۸ و مجموعه مقالات)، پژوهشگران دیگری نیز به صورت موردی به این موضوع پرداخته‌اند.

### یاریگری در کوچ‌نشینی

#### همیاری فکری در زمان کوچ، مکان‌یابی کمپ و برپاسازی آن:

کوچ‌نشینان در بیشتر کارهایشان به دلیل سختی محیط زندگی به یاری نیرو و فکر دیگران احتیاج داشتند. همین عامل در کنار سایر عوامل سبب استحکام روابط آنها شده بود. هرچند کوچ‌نشینان بر اساس یک سنت دیرینه هر ساله به جایگاه‌های برپاسازی سیاه‌چادرها و میرکانها<sup>۱</sup> برمی‌گردند؛ اما برای همین کار و همچنین برگزیدن بهترین محل از نظر دسترسی به منابع مورد نیاز مانند آب (چشمه، چاه و آب رودخانه) و

۱. به مکانی گفته می‌شود که سیاه‌چادرهای عشایری در آن مستقر می‌شوند.

مرتع، پیش از کوچ، با هم مشورت می‌کنند و بر اساس رأی جمعی بهترین مکان انتخاب می‌شود. از آنجا که هر میرکان یا کمپ متشکل از ۴ تا ۸ سیاه‌چادر می‌شد معمولاً مردان این گردهمایی را پیش از کوچ تشکیل داده و با طرح نظرهای خود، بهترین میرکان را انتخاب کرده و در روز معین که حدود اوایل اسفند تا ۱۵ اسفند است همه با هم به صورت همیاری اقدام به برپاسازی دوارها<sup>۱</sup> در محل مورد نظر می‌کنند و در این کار زنان و کوچکترها در کنار مردان مشارکت می‌کنند.

**گله برینه<sup>۲</sup>:** کوچ‌نشینان و روستاییان دامدار از اواسط اردیبهشت تا اوایل خرداد ماه، که همزمان با پایان بارش‌های جوی و گرم شدن هوا و خشک شدن علف‌ها و دروی غلات و سایر کشت‌هاست، اقدام به چیدن پشم گوسفندان و موی بزها می‌کنند. چیدن پشم گوسفندان را برینه (برهنه) کردن می‌گویند. این اقدام معمولاً دوبار در سال انجام می‌شده (بار اول در اواسط اردیبهشت و بار دیگر در خلال فصل زمستان در گرمسیر)؛ اما امروزه با بر افتادن کوچ‌های برون‌منطقه‌ای (کوچ به گرمسیر) یک بار انجام می‌شود. این اقدام مراحل مختلفی دارد که با شستن گوسفندان در رودخانه آغاز می‌شود. با خشک و تمیز شدن گوسفندان، روز بعد به پشم‌چین‌ها (برینه‌گر<sup>۳</sup>) خبر می‌دهند. معمولاً بنا به روزهای سعد و نحس انتخاب روز صورت می‌گیرد و اغلب این کار پنجشنبه انجام می‌شود. در روز موعود، صبح زود برینه‌گرها همراه خود چیره<sup>۴</sup> (قیچی پشم‌چینی) و طناب می‌آورند. صاحب گله و گوسفندان نیز پیش از آمدن آنها ظرف‌های حنا آماده می‌کند تا چنانچه پوست یکی از گوسفندان بریده شد از حنای آماده به عنوان ضدعفونی کننده استفاده کند. در این روز از برینه‌گرها مفصلاً پذیرایی می‌شود و یک برینه‌گر بسته به میزان مهارتش پشم بین ۱۵ تا ۲۰ گوسفند را می‌چیند. اگر صاحب گوسفندان غریبه باشد؛ مثلاً از کوچ‌نشینانی باشد که هنگام عبور از منطقه یک یا دو هفته اطراق کرده‌اند، به ازای چیدن پشم هر گوسفند مبلغی معین به صورت توافقی یا

۱. سیاه‌چادر (به زبان محلی)

2. gale berineh
3. berineh gar
4. çiyehreh

## یاربگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۹۵

جنسی (مثلاً یک گلوله پشم گوسفند به ازای چیدن هر پنج گوسفند) می‌پردازد (البته میزان دستمزد نقدی به شرایط روز بستگی دارد). ولی بین خود گله‌دارها و روستاییان به صورت همیاری انجام می‌شود و یاری‌کننده انتظار دارد که موقع پشم‌چینی گوسفندانش دیگران نیز به همین ترتیب وی را یاری دهند. معمولاً یک نفر پای گوسفندان را می‌بندد و دیگری شروع به چیدن با چپهره می‌کند و یک نفر نیز با چاقو فضولات چسبیده و سخت شده (در کردی که میل<sup>۱</sup>) را جدا می‌کند.

افراد برینه‌گر معمولاً به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول خیلی ماهر و ماهر هستند؛ افراد خیلی ماهر در اصطلاح دست‌های سبکی دارند و به خوبی و آرامش پشم گوسفند را می‌چینند، به طوری که گوسفند دچار اضطراب نشده و تلف نشود. افراد ماهر به ورزیدگی و چالاکی آنها نیستند؛ ولی به درستی کار خود را انجام می‌دهند. معمولاً گوسفندانی را که آرام هستند برای پشم‌چینی به این دسته می‌دهند و یا به عنوان وردست افراد خیلی ماهر، مسئول بستن پای گوسفند می‌شوند. بسته به تعداد گوسفندان، از ۳ تا ۱۰ نفر برای این کار دعوت می‌شوند. معمولاً همه این افراد چپهره شخصی دارند و اگر احیاناً یکی از آنها نداشته باشد، صاحب گوسفندان آن را تهیه می‌کند.

گروه دوم افراد جوانی هستند که به منظور یادگیری و تجربه در پشم‌چینی شرکت می‌کنند این افراد مسئولیت آوردن گوسفند از میان گله و بستن پای آنها، پر کردن کاسه‌های آب برای پاشیدن آب روی پشم خشک گوسفند، همچنین خیس کردن لبه‌های چپهره، تیمار کردن گوسفندی که زخمی شده با مالیدن حنا از کاسه حنای آماده شده و رساندن آب و چای به یاری‌کنندگان را بر عهده دارند. میزبان در این روز معمولاً یک بره را ذبح کرده و با گوشت آن از یاری‌کنندگان در ناهار پذیرایی می‌کند. یاری‌کنندگان در وعده چاشت و عصرانه معمولاً با نان تازه‌ای که زن صاحب مال می‌پزد و لبنیات (کره، شیرازه و دوغ) پذیرایی می‌شوند. علاوه بر این زنان نیز در این کار به عنوان گلوله‌کننده پشم و مسئول پخت غذا و چای در کنار سایرین مشارکت می‌کنند (تصویر ۱).



تصویر شماره ۱. کله برینه در میان کوچ‌نشینان هلیلان (نگارنده)

در این کار، به طور کلی هم دگریاری و هم همیاری دیده می‌شود؛ معمولاً دگریاران بسته به میزان مشارکت یک یا چند گلوله پشم هدیه می‌گیرند و در پایان نیز از آنها قدردانی و قول همکاری داده می‌شود.

پشم بره‌ها را ۵ - ۶ ماه پس از تولد و همزمان با گوسفندان می‌چینند و چون این پشم، سفید، مرغوب و گرانتراست افراد خیلی ماهر می‌چینند؛ به این پشم مرغوب ورگن<sup>۱</sup> گفته می‌شود.

**نخ‌ریسی:** پس از چیدن پشم گوسفندان، زنان با کمک هم اقدام به شستن گلوله‌های پشمی می‌کنند و پس از خشک شدن آن را در گونی ریخته و با دوک نخ‌ریسی بزرگی که تاشی<sup>۲</sup> گفته می‌شود، با کمی مرطوب کردن آن (برای اینکه فتیله‌ها یا رشته نخ بهتر شکل بگیرد) ابتدا به صورت فتیله درمی‌آورند و هر کلاف را در گونی قرار می‌دهند. نخ‌ریسی کاری زنانه است که معمولاً در اوقات فراغت و به‌ویژه شب‌ها در هنگام شب‌نشینی انجام می‌شود. در شاهنامه نیز آمده:

1. vargen

2. taši



## یاربگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ۹۷❖

نداری نمک سود و هیزم، نه نان  
نه شب دوک‌ریسی سان زنان  
(فردوسی، ب ۷۰۹)

پس از این مرحله از یک دوک نخ‌ریسی ظریف‌تر به نام تشینک<sup>۱</sup> (تشی کوچکتر) برای تبدیل این فتیله‌ها به خامه یا نخ پشمی ظریف استفاده می‌کنند و هر کلاف نخ را سرگه بن<sup>۲</sup> می‌گویند. این کلاف‌های دایره‌ای برای استفاده در قالی‌بافی، گلیم (وهر<sup>۳</sup>)، هور، جاجیم (مونج<sup>۴</sup>) و متعلقات اسب و غیره آماده است. تمام این مراحل در بسیاری از موارد به وسیله زنان به صورت همیاری انجام می‌شود. اصطلاحی که برای آن به کار می‌رود، گله تشی<sup>۵</sup> است. در طی زمان نخ‌ریسی، زنان علاوه بر گفت‌وگو در موضوعات مختلف، از سوی میزبان پذیرایی می‌شوند.



تصویر شماره ۲. نخ‌ریسی زنان

1. tašinek
2. sargeh o bon
3. var
4. munj
5. galeh taši

## دهوار بافی و چیت بافی

بافت سیاه چادر یک کار دسته جمعی است که مراحل مختلفی دارد. در گذشته در منطقه آسمان آباد و به ویژه روستای گدومه شیوه معیشت کوچ نشینی حاکم بود و بافت دهوار به صورت همیاری صورت می گرفت. بافت دهوار کاری کاملاً زنانه است؛ فقط تهیه چوبها برای دهوار و نصب آنها به دست مرد خانه و زیر نظر زنی مجرب و ماهر انجام می شد (جدول ۱).

## جدول شماره ۱. تقسیم کار در ساخت و برپا سازی یک دستگاه سیاه چادر

(نگارنده)

ردیف	مراحل ساخت سیاه چادر	تقسیم کار	نوع
۱	چیدن موی بز	مردان	همیاری
۲	آماده سازی نخ	زنان	همیاری
۳	برپاسازی دار برای بافت سیاه چادر	زنان	همیاری
۴	تهیه ابزارها برای بافت (قیچی پشم زنی (چپه ره)، اسکنه، تیشه، تبر و جوالدوز)	آهنگران دوره گرد	خرید به وسیله مردان
۵	دوک نخریسی (تهشی و تهشینک)، دغه (کرکیت) و غیره	کولی ها دوره گرد	خرید به وسیله زنان از کولی های دوره گرد
۶	میخ، ستون، سرستون، هه چه لوک، سیخ (سنگ)، نی	مردان	-
۷	بافت تخته های سیاه چادر و طناب های نگهدارنده (رسن)	زنان	همیاری
۸	بافت چیت	زنان	همیاری
۹	به هم دوختن تخته های سیاه چادر	زن - مرد	خانوادگی - همیاری
۱۰	مکان یابی و آماده کردن جا، برپاسازی و برچیدن سیاه چادر	مردان	همیاری

در اواخر بهار یا اوایل پاییز با توجه به اینکه کارهای کشاورزی (وجین و غیره) و دامداری (شیر دوشی و تهیه لبنیات) به اتمام می رسد، زنان دارهای افقی را برپا کرده، بافت تخته های سیاه چادر (دهوار) را شروع می کردند. پیش تر گفتیم که بعد از چیدن

## یاریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۹۹

موی بزها به دست مردان، زنان آنها را در طول فصل زمستان یا روزهای فصول دیگر به صورت همیاری تبدیل به کلاف‌های نخ (سرگه بن) می‌کردند. با برپایی دار افقی برای شروع کار از زنانی که مهارت در بافت ده‌وار داشتند دعوت می‌شد که ابتدای بافت را که مستلزم مهارت بود، شروع کنند و سپس زنان دیگر به صورت کمکی هر کدام شروع به بافت تخته ده‌وار می‌کردند. بافت سیاه‌چادر ساده و به صورت یکی از رو و یکی از زیر است که بافتی زرهمی است. به همین دلیل بافت تخته‌های سیاه‌چادر زمان زیادی نمی‌گرفت. گاهی هم زنان دیگر به عنوان کمکی به مدت یک یا دو ساعت در بافت مشارکت می‌کنند. بنابراین در بافت ده‌وار همواره زنان و دخترانی در سنین مختلف در کنار هم مشغول کار هستند. مسن‌ترین زن نقش اصلی بافنده را دارد و زنان میانسال در کنار وی به بافتن مشغول می‌شوند و همچنین جابجایی پیشت چو<sup>۱</sup> و گرده چو<sup>۲</sup> و دفه (کرکیت<sup>۳</sup>) زنی را بر عهده دارند. دختران و کوچکترها به عنوان وردست در بافت سیاه‌چادر مشارکت می‌کنند<sup>۴</sup> و از بافندگان که بین ۳ تا ۵ نفر هستند با جای و میان‌وعده‌هایی از شیرازه و کره پذیرایی می‌نمایند. معمولاً پذیرایی از بافندگان بر عهده میزبان است هر چند که در بیشتر مواقع بافندگان به خانه خویش می‌روند و بعد از صرف ناهار و استراحت، برای ادامه بافت سیاه‌چادر بر می‌گردند.

برای پوشش دیواره‌های کناری سیاه‌چادر حتی هنگامی که لته‌های<sup>۵</sup> ورمال<sup>۶</sup> و پیشت‌مال<sup>۷</sup> تا نزدیک زمین می‌رسد؛ استفاده از چیت به عنوان دیواره در زیر لبه‌ها ضرورت دارد. این چیت‌ها از نی ساخته می‌شود که به طور طبیعی در کنار رودخانه‌ها و حاشیه آبگیرها می‌رویند. ارتفاع آنها بین ۱/۲۰ تا ۱/۵۰ سانتی‌متر است. این نی‌ها از قسمت طولی تقسیم و سپس با نخ‌های تهیه شده از موی بز یا پشم گوسفند به هم بافته

1. pišta čo

2. gerda čo

3. karkit

۴. در واقع شیوه‌ای برای انتقال تجربیات به نسل آینده است.

5. lateh

6. Varmâl

7. pištmâl

می‌شوند. بعد از پایان بافت چیت از آنجایی که ممکن است نی‌های استفاده شده در آن کوتاه و بلند باشند انتهای آنها را با تیشه‌ای به صورت یکدست قطع می‌کنند. در این مرحله آن را با نواری به عرض ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر که از موی بز به روش بافت زرهی ساده بافته شده، پوشش داده می‌شود. به این نوار سرچیت می‌گویند. برای اتصال این چیت‌ها به هم، در گوشه‌ها و اغلب نقاطی که دو چیت به هم می‌رسد، قلاب‌هایی از پشم یا موی تنیده شده تعبیه می‌شود. این قلاب‌ها به دور میخ‌های چوبی که برای ایستایی چیت در زمین کوبیده شده، پیچیده و گره زده و یا انداخته می‌شود. در نتیجه چیت به صورت یک دیواره حایل محکم در جای خود می‌ایستد.



تصویر شماره ۳. سیاه‌چادر کوچ‌نشینان و نقوش نمادین آن در کرد (نگارنده).

نخ‌هایی که شاخه‌های نصف‌شده نی را با آن در کنار هم نگه می‌دارند، در اثر بافت حالت لوزی می‌یابد که سبب استحکام چادر شده و در عین حال هنگام حمل و نقل به راحتی لوله شده و جمع می‌شود. بافت به این شیوه به بافنده اجازه می‌دهد که در آن طرح‌ها و نقش‌های متنوع و مختلفی ایجاد کند. بافت چیت بعد از پاک کردن نی از پوسته غلاف و شاخ و برگ‌ها و ایجاد داری عمودی به وسیله ۲ یا ۳ زن به صورت همیاری انجام می‌شد. ابتدا چند زن سنگ‌های دراز و استوانه‌ای شکل را به تعداد لازم

#### یاربگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۱۰۱

کنار دار چیت آورده و زن مسن یا ماهری اقدام به بستن و پیچیدن نخ‌های تار و پود به دور آنها می‌کند. این سنگ نقش محکم‌کننده دارد، در عین حال مانع از پیچیدن و گره خوردن نخ‌های تار و پود به هم می‌شود. بدین ترتیب ۱ یا ۲ زن بعد از گذاشتن هر نی سنگ پود و تار را که نخ به آنها پیچیده شده جابجا می‌کنند و کوچکترها نیز پذیرایی از بافندگان را بر عهده دارند. معمولاً یاریگر، همسایه یا یکی از فامیل است.



تصویر شماره ۴. شیوه بافت و دار چیت‌بافی (واتسون، ۱۹۶۶).

شستن گندم برای تهیه آرد: در گذشته‌های نه چندان دور که همه خانوارها خودکفا بودند و در اصطلاح نان خانوار را خود تأمین می‌کردند، منظور اصلی از کاشت غلات و حبوبات، تهیه نان و بخشی از مایحتاج خانوار بود. بعد از برداشت این غلات و حبوبات بر حسب نیاز ماهانه و یا سالانه مقداری از آنها را می‌شستند و از هر نوع ساقه و خاک و سنگریزه که ممکن بود در میان آنها باشد پاک می‌کردند. برای شستن غلات ابتدا در کنار رودخانه محلی را که عمق کم (حدود ۲۰ سانتیمتر) و نیز بستری سنگی و

جریان ملایم داشت، انتخاب می‌کردند، سپس با سنگ‌های کف رودخانه دیواره‌ای می‌ساختند به طوری که آب بتواند به راحتی از آن بگذرد و البته مانع از برده شدن غلات یا حبوباتی شود که در این حوضچه ریخته‌اند. سپس به‌طور کامل غلات شسته و داخل آبکش‌های بزرگ ریخته و بیرون آورده می‌شود تا آب آن کشیده شود؛ پس از این مرحله دانه‌ها را روی پارچه، گونی یا چیت زیر آفتاب پهن می‌کنند تا خشک شود. برای خشک شدن کامل دانه‌ها هر چند ساعت یک بار آنها را زیر و رو می‌کنند و سپس در گونی یا هور می‌ریزند تا به آسیاب آبی (آسیاو) یا آسیاب دیزلی (مکینه)<sup>۱</sup> برای آرد کردن ببرند. از آنجایی که شستن غلات و حبوبات کاری سخت بود، چنانچه مقدار آن زیاد بود به صورت خودیاری و یا همیاری به کمک ۲ یا ۳ زن انجام می‌شد.

**نوبه پس<sup>۲</sup>:** در زبان کردی به گله گوسفند پس<sup>۳</sup> یا ریهن<sup>۴</sup> گفته می‌شود. دامداران برای اینکه بتوانند در طول سال به کارهای دیگرشان مانند کشاورزی رسیدگی کنند، چندین خانوار پس از شور و مشورت گله‌های خود را در هم ادغام می‌کنند. هرکس بر اساس تعداد گوسفندان و بزها چند روز معین گله را به چرا می‌برد. بدین صورت دامداران در روزهایی که نوبت چرای آنها نیست، فرصت رسیدگی به کارهای عقب افتاده‌شان را دارند.

**شیر ویره<sup>۵</sup>:** در اواخر بهار و اوایل تابستان که شیر گوسفندان رو به کمی می‌رود، بین مال‌ها و همسایه‌ها رسم شیرویره (شیرواره<sup>۶</sup>) برقرار می‌شود، شیرویره یا شیرواره سنت کهنی است که احتمالاً پیشینه آن به دوران پیش از تاریخ و اهلی کردن گوسفند و بز برمی‌گردد. در این زمان به دنبال بزرگ شدن بره‌ها و از شیر گرفتن آنها، شیر گوسفندان و بزها نیز کم و حتی شیر برخی از دام‌های شیرده خشک می‌شود، این عامل تأثیر زیادی بر روی معیشت خانوارهای دامدار و کوچ‌نشین می‌گذارد که مواد لبنی

1. makineh
2. nobeh pas
3. pas
4. riyān
5. širvireh
6. širvāreh

## بارگیری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۱۰۳

(ماست، کره، دوغ، شیرازه و...) غذای اصلی آنها را تشکیل می‌دهد. به طوری که خانوارها یا مال‌هایی که تعداد دام کمی دارند، ممکن است در مضیقه غذایی قرار گیرند. در این زمان زنان که مسئولیت تهیه مواد لبنی (شیر و فرآورده‌های آن) را بر عهده دارند با کمک همسایه‌ها که آنها هم وضعیتی مشابه دارند، به تشکیل شیرویره اقدام می‌کنند. در این سنت که بین ۲ تا ۳ و به‌ندرت تا ۵ خانوار برقرار می‌شود<sup>۱</sup>، به قید قرعه یا به صورت راستگرد (در جهت عقربه‌های ساعت) ترتیب و نوبت دریافت شیر دیگر همسایه را مشخص کرده و در هر روز یکی از اعضا کلیه شیرهای دوشیده شده را دریافت می‌کند. برای اینکه هر یک از اعضا، میزان و مقدار شیری را که تحویل می‌دهد محاسبه کند یک ظرف که در اصطلاح به آن جغله<sup>۲</sup> یا بایه<sup>۳</sup> می‌گویند به صورت استاندارد به وسیله همه اعضا پذیرفته می‌شود. این جغله معمولاً پنج لیتر ظرفیت دارد. از آنجایی که ممکن است میزان شیر دوشیده شده در هر روز کمتر از ظرفیت ظرف مورد نظر باشد از چوب‌های بلوط به عنوان معیار برای اندازه‌گیری شیر داخل ظرف استفاده می‌کنند. به این تکه چوب‌ها له‌لگ<sup>۴</sup> گفته می‌شود. صاحب شیر ممکن است پیش از له‌لگ‌گذاری چند پیاله از شیر را برای مصرف خود بردارد اما بعد از آن به هیچ وجه دیگر به شیر دست نمی‌زند و آن را تحویل دریافت‌کننده خواهد داد. این تکه چوب‌ها تا پایان شیرواره نگهداری می‌شوند تا مقدار اضافی شیر که به خانواده دیگر داده شده یا از آنها گرفته شده را محاسبه و مابه‌التفاوت را دریافت یا پرداخت کنند. روش له‌لگ‌گذاری به این صورت بوده که ابتدا شیر را داخل ظرف میزان (جغله یا بایه) می‌ریختند از سرشاخه درخت بلوط خشک، تکه‌ای چوب صاف باریک جدا می‌کردند و به صورت عمودی و ایستاده در جغله یا بایه قرار می‌دادند، به طوری که سطح شیر داخل ظرف با انتهای چوب همسطح شود. اگر چوب بلندتر بود با دندان آن را کوتاه

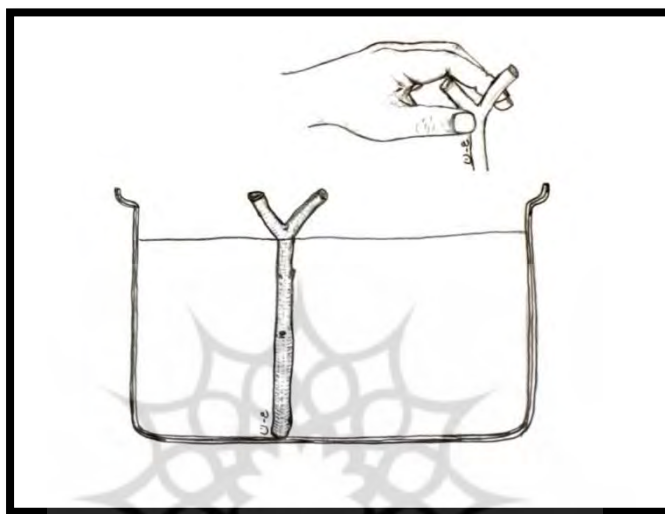
۱. چون در میان آنها هدف از تشکیل شیر ویره تأمین خوراک و امنیت غذایی بوده؛ بنابراین افزایش اعضا سبب می‌شد که نوبت دیرتر به خانوارها برسد و موجب تشدید این وضعیت می‌شد. بنابراین رسم معمول همان ۲ تا ۳ خانوار بوده است.

2. jeqlleh

3. bāgeh

4. laleg

می کردند. معمولاً لهگ‌ها از سرشاخه‌هایی انتخاب می‌شده که در انتها به دو شاخه کوچکتر تقسیم می‌شد (بصورت Y) تا با گرفتن دو شاخه بالایی بایستی سطح شیر ظرف با محل اتصال دو شاخه کوچکتر یکی شود (تصویر ۴).



تصویر شماره ۵. شیوه لهگ‌گذاری و ظرف شیر (بایه و جغله) (طراحی از ع: نگارنده)

با پایان یافتن شیر ویره در یک روز معین که همه اعضا به روزهای مساوی شیر دریافت کرده بودند، همه لهگ‌های خود را آورده و با قرار دادن یک دیگ بزرگ، به میزان لهگ هرکس به همان اندازه آب در تیانچه می‌ریختند تا بدین صورت مشخص شود که هرکس چند جغله پر شیر در این مدت پرداخته است. محاسبه نوبت به نوبت مشخص می‌شد. به عنوان مثال بعد محاسبه لهگ‌ها مشخص می‌شد که نفر اول در این مدت ۵ جغله یا بادیه (بایه) پر شیر مشارکت کرده و دیگری ۶ جغله و نفر سوم ۴ جغله، در این صورت بایستی نفر دو یک جغله شیر به نفر سوم بپردازد تا همه مساوی شوند. چنانچه میزان بدهکاری زیاد بود معمولاً به سال بعد و فصل شیردهی بعدی گوسفندان موکول می‌شد. خانوارهای دامدار، با آغاز شیردهی گوسفندان و احشامشان برای همسایگان و خانواده‌هایی که دام نداشتند، یک قابلمه ماست تهیه می‌کردند و به آنها



## باریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۱۰۵

می‌دادند و دوغ و کره به فراخور برای آنها می‌فرستادند و دریافت‌کننده نیز معمولاً هنگام برگرداندن قابلمه خالی نمک یا تخم‌مرغ یا چیز دیگری به عنوان سپاسگزاری در آن قرار می‌داد. در میان آنها بر اساس عقیده رسم است که بعد از غروب آفتاب تا آغاز سپیده‌دم شیر، ماست، کره، شیرازه (توف<sup>۱</sup>)، دوغ (دو<sup>۲</sup>) و نمک (خوآ<sup>۳</sup>) و آرد را به بیرون از خانه نمی‌فرستند؛ چون معتقدند که خیر و برکت و روشنایی از خانه خواهد رفت.

در طایفه گدمه در طی بهار و اوایل فصل تابستان گوسفندان و بزها را دو بار در روز می‌دوشند. یکبار ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و بار دیگر در حدود ساعت ۲/۵ تا ۳ در این مواقع زن در جای مشخصی بر روی تخته‌سنگی که تکه‌ای پارچه روی آن انداخته شده می‌نشیند و نوجوانی یکی یکی گوسفندان و بزهای شیرده را پیش می‌آورد تا زن با دو دست آنها را بدوشد و معمولاً هنگام شیردوشی، شعرهای آهنگین کردی به صورت آرام زمزمه می‌کند که موجب آرامش حیوان می‌شود.

زنان پیش از شیردوشی دست‌ها را می‌شویند و آستین‌ها را بالا می‌زنند. پس از شیردوشی زنان لباس‌هایشان را عوض می‌کنند و لباس مرتب و تمیز با سریند (سروهن<sup>۴</sup>) می‌پوشند. از اواسط تابستان به بعد با کم‌شدن شیر، روزی یک بار آن‌هم در ساعت ۲ - ۳ عصر دام‌ها دوشیده می‌شوند. از این زمان است که رسم شیرویره را شروع می‌کنند. بعضی وقت‌ها در اثر عواملی شیر تعدادی از گوسفندان و بزها یک باره خشک می‌شود که در این مواقع اصطلاح (دو برینه<sup>۵</sup> = دوغ بریده شدن) را به کار می‌برند. معمولاً یکی از دلایل آن را چشم بد می‌دانند.

بعد از شیردوشی، شیر را از یک پارچه سفید پنبه‌ای می‌گذرانند یا پیش از شیردوشی بر روی ظرفی که برای شیردوشی استفاده می‌شود پارچه سفیدی قرار داده می‌شود که حاشیه آن تا خورده و دوخته و کشی داخل آن قرار داده شده تا روی ظرف

- 
1. tof
  2. do
  3. xuâ
  4. sarvan
  5. do berinah

را بپوشاند. این پارچه را همواره تمیز نگه می‌دارند تا خار و خاشاک و پشم و مو و گرد و خاک در شیر نیفتد. شیر آماده شده را ۱ یا ۲ بار می‌جوشانند تا ماست بزنند یا به سیاه‌چادر و خانه شخصی که نوبت شیرویره به او رسیده می‌برند، جلوی چشم وی له‌لگ گذاری می‌کنند بعد ته ظرف را آب می‌زنند تا شیری که در ظرف مانده جدا شود و سپس در ظرف شیر می‌ریزند (معتقدند موجب برکت می‌شود). معمولاً به یک شاخه له‌لگ‌ها، نوار باریکی از پارچه سبز یا آبی می‌بندند که علاوه بر شناخت آنها، جنبه نمادین (خیر و برکت و دوری از چشم زخم) دارد (تصویر ۵).



تصویر شماره ۶. شکل له‌لگ‌هایی که برای سنجش میزان شیر در شیرویره استفاده می‌شود (نگارنده).

آردواره<sup>۱</sup> (فاردویره<sup>۲</sup>): از آنجایی که در گذشته همه به یک اندازه به آرد دسترسی نداشتند یا ممکن بود که ذخیره آرد کسی پیش از موعد تمام شود، اعضا به هم آرد

1. ârdvâreh

2. ârdvireh

## باریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۱۰۷

برای تهیه نان روزانه قرض می‌دادند. بدین صورت که پیمان‌های را که عبارت بود از کاسه‌ای که یک من ظرفیت داشت، به صورت فشرده پر از آرد می‌کردند به طوری که بالای کاسه به صورت گنبدی در می‌آمد. اگر فرد دریافت‌کننده می‌توانست در زمان‌هایی که از آن وضعیت خلاصی می‌یافت معادل آرد را برمی‌گرداند، در غیر این صورت معمولاً کسی از آن نام نمی‌برد. چون آرد نیز جزو انواع سفیدی به حساب می‌آمد، معمولاً در طول روز در اختیار دیگران گذاشته می‌شد. این رسم نیز صرفاً زنانه بود و زنان بانی آن بودند.

**دیشه وانی<sup>۱</sup> (دشت بانی):** یکی از کارهای روستاییان برای دور نگه‌داشتن دام‌ها و جلوگیری از ورود اسب و قاطر و الاغ‌ها و همچنین حفاظت از غلات و حبوبات کاشته شده، این بود که شخصی را با تصمیم جمعی انتخاب می‌کردند و برای وی سهمی از غلات و حبوبات در نظر می‌گرفتند که موقع برداشت محصول یا معادل نقدی آن را پایان فصل برداشت پرداخت می‌کردند. این شخص معمولاً از بین افرادی که زمین کشاورزی زیادی نداشت انتخاب می‌شد. این فرد با توجه به نظر جمعی، اختیار ضبط حیوانات و اشخاصی را داشت که باعث خرابی غلات می‌شدند و بابت خسارتی که به غلات یا حبوبات کاشته شده وارد می‌شد، شخص خاطی یا صاحب حیوان را به صورت نقدی جریمه می‌کرد.

**چاله‌وانی (چاله‌بانی):** در پایان فصل برداشت، کوچ‌نشینان که منطقه را برای رفتن به گرمسیر ترک می‌کردند، توانایی و امکان بردن همه محصول را با خود نداشتند، از طرفی هنگام برگشت در اواخر زمستان آنها نیاز به گندم و جو داشتند؛ بنابراین مازاد غلات خود را در چاله‌هایی که برای ذخیره غلات کنار هم ایجاد می‌کردند، می‌ریختند و در آنها را می‌پوشاندند و فردی را به عنوان چاله‌بان انتخاب می‌کردند. این شخص از محل چاله هر خانواری و میزان غلات ذخیره شده در آن مطلع بود. انتخاب این فرد بر اساس نظر جمعی و همفکری صورت می‌گرفت. این شخص هر از چندگاهی به این چاله‌ها سر می‌زد تا از سالم ماندن آنها مطمئن شود و همچنین از دستبرد به آنها

---

1. dišteh vâni

## ۱۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جلوگیری کند. چاله بان هنگام باز کردن هر کدام از این چاله‌ها، حق سهم نگهداری از آنها را برمی‌داشت.

**کو کردن یا کو بش<sup>۱</sup>:** یکی از شیوه‌های رایج برای جبران ضرر وارده بر یکی از اعضا در میان طایفه گدمه این بود که اگر گاو یکی از اعضا در اثر پرخوری یا افتادن از بلندی یا شکستن دست و پا تلف می‌شد، سریع آن را ذبح کرده، تمام گوشتش را به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌کردند و هر خانوار یک قسمت را برمی‌داشت و معادل نقدی آن را پرداخت می‌کرد. به این ترتیب مانع از وارد شدن خسارت عمده به یکی از اعضا می‌شدند؛ این عمل را کو کردن یا کو بش می‌گفتند.

### یارگیری در شکار

کوچ‌نشینان و نیمه کوچ‌نشینان که اقتصاد و معیشت آنها بر پرورش دام استوار بود، بیشتر مایحتاج خود را از فرآورده‌های دامی تأمین می‌کردند؛ بنابراین کمتر دام را برای مصرف گوشت می‌کشتند و بیشتر سعی داشتند تا در کنار بهره‌وری از دام‌ها، بخشی از مایحتاج خود را از منابع طبیعی از جمله شکار و جمع‌آوری دانه‌ها و گیاهان خوراکی تأمین کنند. از آنجایی که شکار حیوانات وحشی که در گذشته به وفور در منطقه یافت می‌شدند، به تنهایی میسر نبود، با یاریگیری انجام می‌گرفت. هر فردی بسته به توانایی‌اش در این شکارها مشارکت می‌کرد و در پایان سهمی از شکار را برمی‌داشت. البته شکار به صورت مساوی بین خانوارهای کوچ‌نشین دیگر که در یک کمپ بودند نیز تقسیم می‌شد.

فصل شکار از پانزده یا بیست و یکم آذر شروع می‌شود و به مدت دو هفته ادامه دارد. این مدت زمان جفت‌گیری کل (کله هرز<sup>۲</sup>) است. معمولاً گروه‌های شکارچی در دسته‌های دو یا چند نفره با تفنگ‌های دورزن (گلوله زنی) به محل‌هایی می‌روند که

1. kubeš

۲. kalehherz: در این زمان کل‌های نر حالت شوریدگی دارند و ستیزه جو می‌شوند و برای کسب پیروزی در گله و جفت‌گیری دائم با هم درگیرند. اصطلاح کله هرز برای جوانانی که دست به کارهای خطرناک و مخاطره‌آمیز می‌زنند نیز به کار می‌رود.

## باریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۱۰۹

جاسوسگه<sup>۱</sup> یا در مسیر آمد و شد کل‌ها و بزهای کوهی است و آنجا کمین می‌کنند. همراه این گروه‌ها معمولاً افراد خاصی که قادر به صخره‌نوردی و ردگیری شکار هستند و به تاشه وان<sup>۲</sup> و شون‌بر<sup>۳</sup> موسوم هستند و در شکار نیز مهارت کافی دارند آنها را همراهی می‌کنند. این افراد با رم دادن و مجبور کردن بزهای کوهی به عبور از گذرگاه‌های صعب‌العبور و راه‌های تنگ کوهستانی، آنها را به تیررس شکارچیان هدایت می‌کنند. معمولاً شکارچیان زنگوله‌ها<sup>۴</sup> یا وسایلی با خود داشتند که هنگام شکار بزکوهی در صورت زدن یکی از آنها بقیه افراد را خبر و اقدام به کندن و قطعه کردن لاشه شکار می‌کردند. شکار کل و بز و به طور کلی حیوانات بزرگ معمولاً چند روز طول می‌کشید. شکارچیان معمولاً حیوانات ماده، آبستن و ماده‌هایی که بره دارند را شکار نمی‌کنند؛ بلکه نرها را بیشتر برای شکار انتخاب می‌کنند. شاکه و خان منصور (۱۳۷۹: ۱۵۹-۱۵۷) چگونگی شکار کل پیری (بزکوهی نر) در قولیگ<sup>۵</sup> مانیشت به دست خود و همراهانش را به صورت شعری زیبا به کردی سروده است:

ئیوار خی‌الی هاوردم و دل  
دم غروب خیالی به دلم آمد (به سرم زد)  
sahar qoula ko kerdem va manzel سه‌حەر قوله کو که ردم و مه‌ن‌زل  
سحر قله کوه (منظور قله مانشت) اطراق کردم  
سه‌حەر بو شه‌ش خوان ویم گرده‌مه ئو ده‌س  
sahar bo šaš xûn vim gerdema o das  
سحر شش‌خان (تفنگ) خودم را در دست گرفتم  
خووم که فتم و پیش، یارانم ئه‌و په‌س  
xovam kaftem va peš yârânem ev pas

1. jâsusegeh

2. tâšah vîn

۳. šunbar: افرادی هستند که با توجه به قراین و شواهد باقی‌مانده از محیط می‌توانند سمت حرکت و محل تجمع و موقع

عبور و فاصله شکار را تعیین کنند. این افراد علاوه بر شکار، در تعقیب دزدان و سارقان نیز تبحر خاصی دارند.

۴. شاید زنگوله‌های بدست آمده در گورهای عصر آهن در زاگرس مرکزی و دیگر مناطق با این موضوع یعنی شکار مرتبط باشد.

۵. نام محلی در مانیشت است.

خودم در جلو راه افتادم و دوستان در پشت سرم  
 pâ dâyâm va pây qoula yâsi zard      پا دایام و پای قوله یاسی زهره  
 در جایی پشت به آفتاب (یاس زرد استعاره است) کمین کردم  
 seyâyâl čav gel dâm bard va bard      سیایه‌ل چه‌و، گل دام برد و برد  
 با سیاهی چشمانم سنگ به سنگ را کاویدم  
 dîm taqa sangi âmin la darvan      دیم ته‌قه س نگی ئامین له ده‌روه‌ن  
 دیدم (شنیدم) صدای افتادن سنگی از دره می‌آید  
 mar taqae qeolangi farhây ko kan      مهر ته‌قه قوله‌نگی فره‌های کوکن  
 مانند صدای کلنگ فرهاد کوکن بود  
 sâti negâm kerd va taqae sang dâ      ساتی نگام کرد وه ته‌قه سه‌نگ دا  
 ساعتی به محل صدای سنگ نگاه کردم  
 va ao qeoli darvan teya riki tang dâ      وه ئو قه‌ولی ده‌روه‌ن تیه ریکی ته‌نگ دا  
 به عمق آن دره که تنگ و تاریک بود  
 dîm kal pira gae vinae zâl sâm      دیم که‌ل پیره گه وینه زال سام  
 دیدم کل نر پیری که مانند زال سام  
 pir e sâlxordae vâmane eayâm      پیر سال‌خوره‌ده وامه‌نه ئه‌یام  
 که پیر و سالخورده و وامانده از ایام گذشته بود  
 sar tâ pâ sinae čo seyâ ton dim      سه‌رتا پا سینه چو سیا تون دیم  
 سینه کل را مانند تون حمام سیاه دیدم  
 lashi la hovâe vafri garon dim      له‌شی له هوای و فری گه‌رون دیم  
 اما بدنش مانند برف کوه‌ها خال خال شده بود (سفید شده بود)  
 šâxi čo kamâni esfandyâro      شاخی چو که‌مانی ئه‌سفه‌ندیارو  
 قوس شاخ‌هایش مانند کمان اسفندیار بود  
 čo div sefi mâvâi maqâro      چو دیو سفی ماوای مه‌غارو  
 مانند دیو سفید جایگاهش در صخره‌های بلند بود  
 me kal pir dim fâmem čig la sar      مه که‌ل پیر دیم فامم چی‌گ له سه‌ر

یاربگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام ❖ ۱۱۱

من که کل نر را دیدم هوشیاری‌ام را از دست دادم  
 گاجی‌واز که‌ردم ئه‌و قوله که‌مه‌ر  
 گاهی جایم را در قله و کمر کوه جابجا می‌کردم  
 چو پیران قامه‌ت چه‌م که‌ردم  
 مانند پیرها خمیده خمیده می‌رفتم  
 تا تفه‌نگ و پای ئه‌جه‌ل‌گاش به‌ردم  
 تا جایی که در برد تفنگ من قرار گرفت رفتم (تا جایی که می‌توانستم شکارش کنم  
 رفتم)

ده‌س به‌ردم شه‌ش‌خوان ویم وه پا که‌ردم  
 das berdem šaš xuân vim va pâ kerdem

شش‌خان را آماده کردم و او را زدم  
 ئه‌جه‌ل‌گای که‌ل پیر وه جا ئاوه‌ردم  
 جایی از بدن کل پیر را نشانه گرفته بودم، زدم و اجل او رسید  
 چافی مه‌زانام دوی مه‌خزیا  
 کل پیر افتاد و خزید  
 هام سه‌ریل وتن دست مه‌ریزی  
 hâm saryel vaten dased marezyâ

هم‌قطاران به من دست مریزاد گفتند (ترجمه به فارسی از نگارنده).  
 از دیگر جلوه‌های یاربگری در گذشته مشارکت مردان برای شکال‌خز (سیاوله)<sup>۱</sup> در  
 کور کیو<sup>۲</sup> (کبیر کوه) و مانشت و دیگر کوه‌های منطقه بود که مردان در اواخر پاییز و  
 اوایل زمستان به صورت گروهی به شکار این حیوان برای فروش پوست آن می‌پرداختند.

**رابطه مسکن و خویشاوندی با یاربگری**

معیشت و زندگی عشایر بر دامداری و کوچ‌نشینی استوار است و این نوع معیشت  
 همواره با مخاطرات طبیعی (سیل، و طوفان و ...) و غیر طبیعی (حمله ایلات و طوایف

1. siyavlah  
 2. kever ko

دیگر، غارت، درگیری‌ها بر سر مراتع و قلمرو، دزدی احشام) روبه‌رو است؛ از این رو عشایر جامعه‌ای به هم پیوسته از پیوندهای سببی و نسبی (خونی) را تشکیل می‌دهند. از آنجایی که زندگی و فعالیت‌های آنها همواره در معرض دید سایرین قرار دارد، مهمترین عامل در این نوع معیشت، اعتماد و اطمینان بی قید و شرط میان فامیل است. آنها تمام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را با همکاری و همیاری یکدیگر انجام می‌دهند که این امر علاوه بر جنبه استفاده از نیروی انسانی، به تقویت و استحکام پیوندها و روحیه همکاری میان آنها می‌انجامد. چنانچه راولینسون در این مورد می‌نویسد: کمی دور از گیلان، با خان کلهر دیدار کردم و به چادر او که کاملاً به شیوه ایلپاتی بر پا و به وسیله چادر بستگان و افراد ایلش احاطه شده بود وارد شدم (راولینسون، ۱۸۳۹: ۴۴).

بنابراین معمولاً یک گروه فامیلی که شامل پسر عمو یا دایی و ... می‌شود، در کنار هم کمپ سیاه‌چادرهای خود را برپا می‌کنند. عشایر برای برپا کردن سیاه‌چادر و جمع کردن آن و کوچ، نیاز به مساعدت همدیگر دارند؛ چرا که انجام دادن این امور تنها از عهده یک خانواده ساخته نیست. دیگر اینکه عشایر می‌بایست در مقابل تهدیدهایی که از جانب طوایف دیگر می‌شود یا برای مقابله با حوادث طبیعی در کنار هم باشند. بنابراین اعضای یک بنه‌مال، سیاه‌چادرهایشان را به صورت ردیف‌های جلو و پشت (وهر و پیشت<sup>۱</sup>) بر پا می‌کنند و فضای میانی به عنوان آغل (په‌چیه<sup>۲</sup>) گله‌هایشان مورد استفاده است. زنان نیز در نگهداری از نوزادان، پخت نان و شیردوشی و تهیه لبنیات و روغن حیوانی و پشم‌چینی (به‌رینه<sup>۳</sup>) کمک حال یکدیگر هستند. این کوچ‌نشینان بعد از تخته قاپو شدن این شیوه زیست و رابطه را با ساخت خانه‌های روستایی در کنار یکدیگر ادامه دادند.

- 
1. ver o pišt
  2. pečiyeh
  3. berinah



### جمع‌بندی

باریگری یکی از رفتارها و کنش‌های فرهنگی است. این کنش فرهنگی پاسخی به تنگناهای معیشتی و اقتصادی و اجتماعی است که جوامع در موقعیت‌های مختلف از خود بروز می‌دهند. هر کدام از این باریگری‌ها اهداف خاصی دارند. مردمان و جامعه مورد پژوهش تیره قلی‌وند بود که در اصل یک جامعه کوچ‌نشین با مناسبات خاص خود است که در نتیجه عوامل بیرونی یکجانشین شدند. این امر موجب شکل‌گیری و پررنگ‌تر شدن انواعی دیگر از باریگری در میان آنها شده است. به طوری که تا پیش از یکجانشین شدن بیشتر باریگری‌ها بر محور دامداری و کوچ‌نشینی و مسائل مربوط به آن شکل می‌گرفت؛ ولی با یکجانشین شدن آنها جلوه‌های دیگری از باریگری در خانه‌سازی و غیره که پیشتر به شکل ده‌واربافی و ساخت کولا وجود داشت ابعاد تازه‌تری یافت و در کنار خانه‌سازی ساخت مکان‌های عمومی و دینی نیز به صورت همیاری مورد توجه قرار گرفت. بنابر این مردمانی که کوچ‌نشین بودند و دغدغه‌های کوچ و مسائل مربوطه به آن را داشتند، از زمان یکجانشینی، شیوه معیشت آنها تغییر چندانی نیافت و به معیشت مبتنی بر دامداری و در کنار آن کشاورزی نیز توجه کردند. باریگری‌ها علاوه بر جنبه اقتصادی و تأمین منافع گروه، سبب پیوستگی و همدلی و تشریک مساعی خانوارها و افراد در مسائل مختلف می‌شد. امروزه با توجه به تغییر و تحولات پیش آمده و ورود ماشین‌آلات کشاورزی مدرن دیگر باریگری‌ها به شکل گذشته دیده نمی‌شود.

### منابع

- \* اطلاعات و یافته‌های درون مقاله از پژوهش‌های میدانی نگارنده است.
- برومبِرژه، کریستیان (۱۳۷۰). **مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان**، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شاکه و خان منصور (۱۳۷۹). **دیوان کامل شاکه و خان منصور**، به کوشش محمدعلی قاسمی و همکاری علیرضا خانی، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.

۱۱۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- شاهنامه فردوسی (۱۳۵۴). به کوشش ژول مول، ج ۵، تهران: شرکت انتشارات کتاب‌های جیبی و انتشارات فرانکلین.
- فاستر، جرج. م. (۱۳۷۵). *جوامع سنتی و تغییرات فنی*. ترجمه سید مهدی ثریا، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳). *فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون (۲ جلد)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی*، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *کشتکاری و فرهنگ: چون و چراهایی بر کشاورزی صنعتی و شیوه‌های سنتی بهورزی و بهداری و توان بخشی زمین در ایران، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی اقتصاد*، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). *واره: درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی یاریگری*، تهران، نشر ثالث.
- Rawlinson, Henry C., (1839), "Notes on a March from Zohab at the Foot of the Zagros, along the Mountains to Khuzistan (Susiana), and from Thence through the Province of Luristan to Kirmanshah, in the Year 1836", **The Journal of the Royal Geographic Society**, 9, pp. 26-116.
- Watson, Patty Jo (1966). "Clues to Iranian Prehistory in Modern Village Life", **Expedition Magazine**, V. 8, N.3, pp.9-19.